

متن فرمایشات حضرت آقای حاج دکتر نورعلی تابنده مجذوبعلیشاه ارواحناالهداء



بسم الله الرحمن الرحيم

شکر خدا را که ما این عده با هم جمع شدیم، البته بر همین نفسی که می کشیم شکر دارد، ولی عمده اینجا شکر بر آن همدلی است که شماها را کشانده اینجا، بخصوص طی این همدلی در راه کمک به دیگران است، ولی خب همدلی خود آدم دلش برای عمه و عمو و خاله و خالو و اینها تنگ می شود، می نشینند با هم، با دل، ولی وقتی که این جمع شدن هم مثلاً الان که شما بیاد دارنامه صالح این کار را کردید برای یک هدف است که در اصلش هم در... جمع شدید خیلی خوب است. الحمدلله ما هم که همه گردش... راضی هستیم. الحمدلله مدیرعامل را خود حضرت رضاعلیشاه گذاشتند و فرمودند هم تا ایشان باشد، و خب ایشان باشد، عوض نشد. مدیرعاملش خب هم فرزند حضرت رضاعلیشاه است، یعنی فرزند من است، یعنی برادرزاده من است، هم مهربان است و هم اهل این کار بوده. حتماً روح بزرگوار حضرت صالح علیشاه هم با ایشان کاملاً راضی بود و حتماً برای تکامل ایشان دعوت می کند. من هم که به نوبه خود یک نفر هستم، از ایشان راضی هستم و از طرف این جمع هم از ایشان راضی هستم. الحمدلله بسیار... خوبی است، همه شان، همه مان هم خوشنامیم در این کار و همه مان هم علاقه مندیم به اینکه خوب در بیاید، برای اینکه بنام ما درمی آید بالاخره. ما یک عده زیادی از کارمندان خود بنیاد صالح هستیم، بعضی هم از غیر این بنیاد صالح، ولی از درویش ها، از فقرا، از بزرگان نیکخواه آن جمع هستند، به هر جهت همه برادران و خواهران ما هستند. ان شاء الله خداوند به برادری ما برکت بدهد و به خواهری ما هم برکت بدهد، یعنی همان که یکی را ما برادر می دانیم، یک چای می آوریم، گرچه متأسفانه دو چای نمی توانیم بیاوریم، چون جمعیت زیاد است، ولی به همان یکی دعا کنیم، بگوییم خدا برکت بدهد به عده ای که با دل و دست هردو آمدند اینجا. به هر جهت ما... تمام این مدت هرچه هم کم داشتیم از این... تهیه کردیم، تدریجاً تهیه کردیم و ان شاء الله نقصی و کمبودی نخواهیم داشت... همه این جمعیت، همه ما، در رأسش حاج محمد آقا و بعد از آن آقای...

اینکه گفتم خب همه جمعی که ما هستیم، خودمان هستیم، حتی چند نفر از عده ای از کارمندان، کارکنان، اشخاص خیر که بعداً به جهاتی نتوانستند به کارشان ادامه بدهند، استعفا دادند، آنها هم هستند...

اولاً خود درمانگاه، خود درمان و ذکر درمانگاه دلها را قوت می دهد، بعد هم اینکه آن درمانگاه به نام حضرت صالح علیشاه است. حضرت صالح علیشاه تقریباً پنجاه سال، بقول آن شعر: "قرب پنجه سال قطب وقت

بود" پنجاه سال قطب بودند، اما دوران بحرانی را گذراندند و در همه این احوال مراقب حال فقرا بودند. بعد هم حضرت رضاعلیشاه که تأسیس کردند بنیاد را به نام ایشان بود، که همین نام که هرچه یک سند بنام حضرت صالحعلیشاه است. درواقع همین چیزها است که برکت بر آن خواسته الهی حضرت رضاعلیشاه و سایرین بعدشان، درمانگاه را نگه داشته و ان شاءالله نگه خواهد داشت و امیدوارم، از همه آقایان و خانمها من تشکر می کنم. چون من هم گوشه ای از این زحمت و نام نیکی که شماها فراهم کردید، یک گوشه ای هم به من رسیده و می رسد و همیشه در این افتخار خواهیم بود، شما هم بدانید در همین افتخار باشید، همه با هم شریکیم.

و فعلاً خب برای خاطر این آقایان و رفتگان اینجا جمع شدیم، در دلهایمان برای روح آنها حمد و سوره ای بخوانیم، بعد از دلهایمان برای آن بزرگواران علو مرتبه می خواهیم، می خواهیم بدرگاه خداوند بگوییم که، عرض کنیم که این بزرگان را از ما و...

ان شاءالله خداوند از همه ماها راضی باشد. این است که این عید امسال را هم که هنوز درواقع عید است به همه شما تبریک می گویم، ان شاءالله سالهای طولانی در خدمت اینجا باشید. از آقای مدیرعامل، آقای حاج محمد آقا هم تشکر می کنیم و از خداوند می خواهیم درجه شان را نزد خودش نگه دارد. من دیگر عرضی ندارم.

